



Research Article

A Jurisprudential Examination of the Parallel and Representative Je'aleh Contract in House Repair and Construction of Road and Building

Mohammad Mahdi Nabizadeh¹

Abdolhossein Khosropanah²

Received: 01/02/2022

Accepted: 30/10/2022

Abstract

One of the bank contracts is parallel and representation Je'aleh (Je'aleh is a promise of something of value given by a promissor in exchange for something of value given by a promisee), which is the loan that the bank provides to the customer to do something like home repair. What happens in between are two contracts of Je'aleh consecutively and sometimes it is attached to the contract of representation, the first one is called parallel Je'aleh and the second one is called representation Je'aleh. The main issue in these contracts is the problems that they face from the jurisprudential perspective. Both in terms of compliance with well-known rules of jurisprudence such as not realizing the customer's intention, taking wages

1. Graduated from Level Four of Islamic Seminary of Qom, professor of higher levels of Islamic seminary, Qom, Iran (corresponding author). fa43158@gmail.com.

2. Professor of Philosophy at the Institute of Islamic Culture and Thought and Professor of Kharij Fiqh at Islamic Seminary, Qom, Iran. khosropanahdezfuli@gmail.com.

* Nabizadeh, M. M., & Khosropanah, A. (1401 AP). A Jurisprudential Examination of the Parallel and Representative Je'aleh Contract in House Repair and Construction of Road and Building. *Journal of Fiqh*, 29(111), pp. 129-157. Doi: 10.22081/jf.2022.63203.2450.

Copyright © 2021, Author (s). This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution-Non Commercial 4.0 International License (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/>) which permits copy and redistribute the material just in noncommercial usages, provided the original work is properly cited.

before the action and receiving fines for late payment of installments, and also in terms of incompatibility with the dominant atmosphere of the Islamic economic system. The solution to these problems is for the bank to do what is considered practice in convention in the first contract. In this case, it does not matter to leave the job to the second agent, while giving power of representation to the first Ja'il (forger). In addition, the customer's explanation about the terms of the contract makes the intention come true. In relation to the received forgery difference, set the value of the act as the amount of forgery and remove some rules such as late payment penalty. This study is an applied jurisprudence and its method is library and ijihad analysis, which criticizes and analyzes the problem at the same time.

Keywords

Jo'al, Je'aleh, Parallel Je'aleh, Representation Je'aleh, Road Construction Loan, Je'aleh loan, Housing Repair.



مقاله پژوهشی

بررسی فقهی قرارداد جعاله موازی و وکالتی در تعمیر خانه و احداث راه و ساختمان

محمد مهدی نبی زاده^۱
عبدالحسین خسروپناه^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۱۲
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۸/۰۸

چکیده

یکی از قراردادهای بانکی جعاله موازی و وکالتی است که عبارت است از تسهیلاتی که بانک برای انجام کاری مانند تعمیر منزل در اختیار مشتری می‌گذارد. آنچه در این بین اتفاق می‌افتد، دو قرارداد جعاله به دنبال هم و گاهی به‌ضمیمه عقد وکالت است که به اولی جعاله موازی و به دومی جعاله وکالتی گفته می‌شود. مسئله اصلی در این قراردادها اشکالاتی است که از نظر فقهی متوجه آنهاست؛ هم از حیث انطباق با قواعد مشهور فقهی مانند عدم تحقق قصد مشتری، گرفتن اجرت پیش از عمل و دریافت جریمه تأخیر پرداخت اقساط و هم از حیث عدم تناسب با روح حاکم بر نظام اقتصادی اسلام. راه‌حل این معضلات آن است که بانک در قرارداد اولی، کاری که در عرف عمل محسوب می‌شود انجام دهد؛ در این صورت سپردن کار به عامل دوم هرچند با دادن وکالت به جاعل اول مانعی ندارد. همچنین توجه مشتری درباره مفاد قرارداد موجب تحقق قصد می‌شود. نسبت به مابه‌التفاوت جعل دریافتی هم، ارزش عمل را میزان تعیین جعل قرار دهد و بعضی قوانین مانند جریمه تأخیر تأدیه را حذف نماید. این تحقیق از قبیل فقه کاربردی است و روش آن کتابخانه‌ای و تحلیلی اجتهادی است که در ضمن بیان معضل به نقد و تحلیل آن می‌پردازد.

کلیدواژه‌ها

جعل، جعاله، جعاله موازی، جعاله وکالتی، وام احداث راه، تسهیلات جعاله، تعمیر مسکن.

۱. دانش آموخته سطح چهار حوزه علمیه قم، استاد سطوح عالی حوزه علمیه قم، ایران (نویسنده مسئول).
fa43158@gmail.com

۲. استاد فلسفه پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی و استاد خارج فقه حوزه علمیه قم، ایران.
khosropanahdezfuli@gmail.com

* محمد مهدی، نبی زاده؛ خسروپناه، عبدالحسین. (۱۴۰۱). بررسی فقهی قرارداد جعاله موازی و وکالتی در تعمیر خانه و احداث راه و ساختمان. فصلنامه علمی - پژوهشی فقه، ۲۹(۱۱۱)، صص ۱۲۹-۱۵۷.

Doi: 10.22081/jf.2022.63203.2450.

مقدمه

قرارداد جعاله (شهید اول، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص ۹۷) که از گذشته دور و حتی شاید به درازای عمر بشر به عنوان معامله‌ای پر کاربرد در جامعه رواج داشته، امروزه گاهی مانند قبل بین مردم منعقد می‌شود که در این خصوص بهتر آن است که بگوییم مردم با جعاله زندگی می‌کنند، بدون اینکه متوجه آن باشند و اسمش را بیاورند، چراکه اغلب خدماتی که بین ایشان تبادل می‌گردد، بر پایه قرارداد جعاله (امامی، بی تا، ج ۲، ص ۱۲۱) است، و گاهی بانک‌ها واسطه و طرف این قرارداد هستند و به خانوارها یا بنگاه‌ها یا حتی دولت‌ها تسهیلات در قالب جعاله می‌دهند. آنچه در این تحقیق مورد بررسی قرار خواهد گرفت، یکی از انواع پر کاربرد جعاله‌های بانکی، یعنی جعاله موازی و وکالتی است که از تنوع و پیچیدگی بیشتری برخوردار است.

با توجه به اینکه موضوع مقاله متمرکز بر احکام فقهی جُعَل یا همان اجرت این قرارداد و آن هم از حیث انطباق یک قرارداد بانکی، یعنی جعاله موازی و وکالتی بر آنها است، باید گفت با این عنوان کتاب مستقل یا پایان‌نامه‌ای یافت نشد، هرچند در تألیفاتی که در رابطه با جعاله و احکام آن است، مباحثی متناسب با موضوع بحث مطرح شده است. بعضی از کتاب‌های با موضوع مذکور عبارتند از: «جعاله در اقتصاد اسلامی و حقوق ایران» که توسط جناب آقای مصطفی رئیسی در سال ۱۳۷۳ تألیف شده است. «الگوی عملیاتی عقد جعاله با تأکید بر بخش معدن» که توسط دکتر بو عالم بن جلال تألیف شده و آقایان دکتر مهدی صادقی و سید روح‌الله احمدی حاجی آبادی آن را ترجمه کرده‌اند. «جعاله در بانک‌داری اسلامی»، تألیف آقای رسول مظاهری که در سال ۱۳۸۱ نوشته شده است. «قواعد عمومی قراردادها»، تألیف دکتر ناصر کاتوزیان. «حقوق مدنی»، تألیف دکتر ناصر کاتوزیان. «حقوق مدنی»، تألیف سید حسن امامی (البته غیر از این سه کتاب اخیر کتاب‌های دیگری با این موضوع وجود دارد که نوعاً در ضمن مباحث به احکام جعل پرداخته‌اند). «الجعالة واحكامها فی الشريعة الاسلامیة والقانون»، تألیف آقای دکتر خالد رشید جمیلی در سال ۱۴۰۶ قمری.

البته کتاب‌هایی مانند جعاله در بانک‌داری اسلامی، نوشته آقای مظاهری به موضوع

قرارداد جعاله به منظور احداث راه و ساختمان اشاره دارد، ولی مسئله را از حیث حقوقی طرح کرده و هر چند نقل‌هایی از نظرات فقها در آن صورت گرفته، ولی از نظر فقهی نیز نقدی ننموده و به طور کلی اشکالات موجود را منحصر به اجرای نامناسب قوانین دانسته، در حالی که در این مقاله علاوه بر اشکال مذکور ایرادات فقهی اصل قرارداد نیز مورد بحث قرار گرفته است.

جعل از نظر لغوی به معنای عوض در مقابل عمل است (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۲۳۰؛ ازهری، بی تا، ج ۱، ص ۲۴۰؛ جوهری، ۱۴۱۰ق، ج ۴، ص ۱۶۵۶؛ فیروزآبادی، بی تا، ج ۳، ص ۴۷۶؛ طریحی، ۱۳۷۵، ج ۵، ص ۳۳۷) و در فقه هم به همین معنا به کار می‌رود و به عبارت دیگر، جعل حقیقت شرعی ندارد (نجفی، بی تا، ج ۳۵، ص ۱۸۷؛ سبزواری، ۱۴۱۳ق، ج ۱۸، ص ۲۰۱؛ ترحینی عاملی، ۱۴۲۷ق، ج ۵، ص ۵۶۹)؛ بنابراین در هر معامله‌ای که عوضی در مقابل عمل قرار گیرد، بر آن اطلاق جعل می‌شود و البته مصداق بارز آن در معامله جعاله است که در این تحقیق همین قسم مورد نظر است.

جعل در نظام بانک‌داری گاهی تحت عنوان تسهیلاتی که یک طرف آن بانک قرار دارد دریافت می‌شود، و گاهی بعضی از هزینه‌هایی که توسط بانک از مشتری گرفته می‌شود، از جهت تطبیق فقهی تحت عنوان جعل قرار می‌گیرد (دستورالعمل اجرایی جعاله، ۱۳۶۳، ماده ۲). آن‌چه در خصوص عملکرد بانک از حیث انطباق بر احکام و شرایط فقهی بررسی خواهد شد، شامل هردو مورد می‌گردد.

لازم به ذکر اینکه جعاله دارای چهار رکن است که عبارتند از: صیغه، جاعل، عمل و جعل (علامه حلی، بی تا، ج ۱۷، ص ۴۲۵؛ علامه حلی، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۲۱۵). تحقیق حاضر صرفاً به بررسی این قرارداد از جهت تحقق شرایط و احکام فقهی جعل در آن می‌پردازد که شامل مباحثی از قبیل لزوم تعیین کردن، معلوم بودن، زمان استحقاق و امثال آن است (محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۳، ص ۱۲۶)؛ مثلاً آیا جعل در جعاله اول در تسهیلات جعاله موازی - که در ادامه راجع به آن بحث خواهد شد - شرایط و احکام مورد نظر فقهی را دارد یا نه. اگر دارد تبیین شود و اگر ندارد علت چیست. و اگر راه‌حلی برای تطبیق آن بر احکام فقهی وجود دارد، گفته آید. البته در این بین ممکن است متعرض تطبیق احکام دیگر

ارکان جعاله مانند جاعل که همان درخواست کننده عمل است، از این جهت که حکم جُعل در قراردادهای مذکور با آنها ارتباط دارد بشود؛ مثلاً لزوم قصد برای جاعل، و یا از جمله احکام عوض اینکه اگر در جعاله موازی قرارداد اول صورتی شود، جُعل دریافتی بانک، مصداق زیادی در قرض و ربا خواهد بود یا نه. بنابراین بحث پیرامون اصل شرایط و احکام مربوط به جُعل در اینجا مطرح نیست و در جای خود در کتاب‌های فقهی عنوان شده است.

۱. نحوه ورود بانک به مسئله تسهیلات جعاله

در قرارداد جعاله تا جایی که از جهت کار و شیوه پرداخت جعل مشکلی نباشد، نیازی به بانک نیست؛ مثلاً جاعل در قالب جعاله خاص به عامل معین می‌گوید: «اگر پشت‌بام خانه مرا ایزوگام کردی ده میلیون تومان می‌دهم»، ولی اگر صاحب کار در شرایطی است که نمی‌تواند همه پول را نقدی به عامل بدهد، بلکه ناگزیر است همه یا مقداری از آن را قسطی بپردازد و از طرف دیگر پیمان کار نمی‌پذیرد با این شرایط کار کند، از این حیث که برای انجام هزینه‌هایش مثل دادن پول کارگر و خرید مصالح باید دستمزدی که می‌دهد نقد باشد، در چنین شرایطی پیمان کار قصد انجام کار را دارد اما نمی‌تواند با اجرت مدت‌دار کار کند و صاحب کار هم پول ندارد یک‌جا اجرت را بعد از انجام کار بپردازد، در اینجا بانک وارد می‌شود و با عقد دو قرارداد جعاله مشکل را حل می‌کند؛ به این صورت که به جاعل می‌گوید: «شما سفارش کارت را به من بده و قرارداد جعاله را با من منعقد نما و جُعل را به همان شکل قسطی ولی بیشتر از آنچه معین کرده بودی و در واقع با یک جعل جدید بپرداز، من هم کار را برای تو انجام می‌دهم و تحویل خواهم داد». این را در اصطلاح قرارداد جعاله اول می‌گویند که در آن بانک عامل بوده و متعهد است کار را انجام دهد، ولی چون بانک معمار یا امثال آن نیست، تحت عنوان جعاله ثانویه کار را با جُعل نقدی به عامل دومی می‌سپارد. منظور از نقد بودن جُعل هم آن است که پول را متناسب با پیشرفت پروژه به پیمانکار می‌دهد. وقتی عامل کار را تحویل بانک داد و جعل را به تدریج در ضمن کارش گرفت، بانک کار را

تحویلی جاعل اول داده و جعل جعاله اول را مدت دار می‌گیرد. در این صورت مشکل هر سه طرف حل می‌شود؛ پیمانکار به دنبال گرفتن اجرت نقدی بود و صاحب کار دنبال این بود که کار انجام شود، ولی جعل را قسطی بدهد و بانک هم توانایی انجام مستقل کار را نداشت که با انجام دو جعاله مذکور همه به اهداف خود رسیدند.

سهم بانک نیز مابه‌التفاوت جعل اول و دوم خواهد بود؛ مثلاً بانک به جاعل می‌گوید: «تو که خواستی خانه‌ات را با ۲۰۰ میلیون تومان بسازی، من با ۲۵۰ میلیون تومان می‌سازم»، و به عامل دوم می‌گوید: «به تو ۲۰۰ میلیون تومان می‌دهم که همان مبلغ مورد توافق برای ساخت خانه بین تو و صاحب کار بود». این قرارداد را از آنجا که دو جعاله روی یک موضوع، یعنی کار مشخص، بسته شده، جعاله موازی گویند. البته بانک، متقاضی تسهیلات یعنی همان جاعل اول را ناظر بر جعاله دوم قرار می‌دهد که هرگاه او تأیید کرد کار پیشرفت کرده، جعل را به نسبت پردازد. در قراردادهای سنگین، حدود ۵۰ یا ۶۰ میلیون تومان به بالا، بانک‌ها از این مدل (جعاله موازی) استفاده می‌کنند. ولی اگر ارزش کار پایین باشد، مثلاً درخواست‌کننده تسهیلات، خانواری است که می‌خواهد خانه‌اش را تعمیر کند و ۱۰ میلیون تومان احتیاج دارد، برای بانک صرفه اقتصادی و زمانی ندارد که با عامل مستقیماً قرارداد ببندد و برای عامل یا کارگاه نیز تعهد دادن و ملتزم شدن به قوانین قرارداد بانکی برای این مقدار کم به صرفه نیست و حاضر به وقت‌گذاری بابت این موضوع نمی‌باشد؛ لذا بانک در چنین جایی از مدل جعاله و کالتی استفاده می‌کند (موسویان و همکاران، ۱۳۸۷، ص ۱۵۳؛ موسویان، ۱۳۹۵؛ مظاهری، ۱۳۸۱، ص ۱۶۰؛ حسینی، بی‌تا، بخش اول). توضیح آنکه خانوار یا متقاضی تسهیلات، قرارداد جعاله اول را با بانک می‌بندد و بانک براساس آن متعهد می‌شود که تعمیر خانه را انجام دهد؛ منتهی بانک، و کالت در جعاله دوم را به جاعل اول می‌دهد تا قرارداد جعاله دوم را به و کالت منعقد نماید و پول را از طرف بانک پردازد؛ حال بانک، یا پول را نقد به او می‌دهد یا در وجه او چک صادر می‌کند. نام این قرارداد از آنجا که خانوار خود به و کالت از طرف بانک کار را انجام می‌دهد، جعاله و کالتی است.

لازم به ذکر است که اعطای تسهیلات جعاله با دو مدل فوق، منحصر به تعمیر و

احداث منزل نیست، بلکه می‌تواند خدمات متنوعی را شامل شود؛ به‌عنوان مثال کسی که برای عمل جراحی قلب می‌بایست مبلغ زیادی را به بیمارستان پردازد و توان مالی کافی ندارد، ولی می‌تواند در ۵۰ قسط این هزینه را پردازد، در چنین شرایطی بیمار، قرارداد عمل قلب را در ازای جُعل معین قسطی با بانک می‌بندد و بانک در مقابل متعهد می‌شود این عمل جراحی را به‌وسیله یک بیمارستان متخصص یا بیمارستانی که متقاضی اعلام می‌کند انجام دهد، سپس بانک با بیمارستان قرارداد دومی می‌بندد که عمل جراحی قلب را برای بانک انجام داده و هزینه‌اش را از بانک بگیرد. خدمات آموزشی نیز همچنین است؛ مثلاً دانشجویی که برای دوره دکتری مبلغ ۶۰ میلیون تومان باید به دانشگاه پردازد و چنین قدرت مالی‌ای ندارد، ولی می‌تواند در قالب اقساط یک میلیون تومانی ماهانه این پول را بدهد، به بانک مراجعه کرده و قرارداد جعاله اول را در ازای ارائه خدمات آموزشی دوره دکتری با مبلغی بیشتر از ۶۰ میلیون تومان با بانک منعقد می‌نماید، سپس بانک به متقاضی تسهیلات، و کالت در انعقاد جعاله دوم را با مرکز آموزشی موردنظر متقاضی می‌دهد، تا از طرف بانک قرارداد ارائه خدمات آموزشی در ازای مبلغی که هر ترم باید پرداخت شود صورت دهد، و در نهایت بانک این مبلغ را در سررسید هر ترم به حساب وکیل، یعنی دانشجو یا مؤسسه آموزشی واریز نموده و جاعل اول نیز در قالب اقساط ماهیانه، جُعل قرارداد اول را به بانک می‌پردازد. مدل قرارداد در مثال اول، جعاله موازی، و در دومی، جعاله و کالتی است. انجام هر کدام از این قراردادها با مدل یک‌دیگر نیز ممکن است. همچنین این امکان وجود دارد که پرداخت جُعل اول با تنفس زمانی در ابتدای قرارداد همراه باشد (حسینی، بی‌تا، بخش اول).

۲. معضلات فقهی و قانونی

این مقاله درصدد تحلیل و نقد کیفیت انعقاد قرارداد اعطای تسهیلات جعاله از حیث انطباق با احکام فقهی است که در قالب نکته‌های مرحوم موسویان، با عنوان «نکته‌های فقهی - اجرایی تسهیلات جعاله» (موسویان، ۱۳۹۵، ص ۵۸) و برخی بندهای قرارداد جعاله یکی از بانک‌ها (قرارداد جعاله مسکن، بی‌تا) معضلات فقهی را مطرح و به ارائه راه‌حل می‌پردازد.

۱-۲. صوری شدن قرارداد جاعل اول با بانک، شبهه ربا و اکل مال بالباطل

«نکته ۱. امروزه بانک‌ها در تسهیلات جعاله، یافتن پیمان‌کار و انعقاد قرارداد، جعاله ثانویه را خودشان انجام نمی‌دهند، بلکه به صورت وکالتی عمل می‌کنند؛ به این معنا که به جاعل (کارفرما) وکالت می‌دهند تا پیمان‌کار مناسب را - که موردپسند او باشد - پیدا کند و با پرداخت اجرت پیمان‌کار از محل تسهیلات دریافتی از بانک، موضوع جعاله را محقق سازد. در این شیوه، بانک به عنوان عامل در جعاله اولیه، اجرت خود را به صورت قسطی و بیشتر از آنچه در جعاله دوم نقداً به پیمان‌کار پرداخت کرده، دریافت می‌کند. اگر شرایط هریک از عقود (جعاله اول و وکالت و جعاله دوم) مراعات شود، با توجه به اینکه قراردادها مستقل هستند، اشکال شرعی نداشته و تفاوت جعل دو جعاله نیز صحیح خواهد بود» (موسویان، ۱۳۹۵، ص ۵۸).

هدف اصلی کسی که برای گرفتن وام^۱ جعاله به سراغ بانک می‌رود، تأمین مالی است و طی فرآیندی تقریباً صوری، جعلی را که ندارد تا برای انجام کار موردنظرش به عامل بدهد، به دست می‌آورد؛ در واقع از ابتدا طرفین قرارداد جعاله اول می‌دانند که قرار نیست بانک (عامل) کار خاصی انجام دهد؛ خصوصاً در مدل جعاله وکالتی که عمده مراجعات خانوارها و اعطای تسهیلات جعاله را شامل می‌شود، تمام کارها توسط متقاضی تسهیلات انجام می‌پذیرد و فعالیت بانک فقط روی کاغذ اتفاق می‌افتد که این به ملاحظه بندهای تسهیلات جعاله روشن است (قرارداد جعاله مسکن، بی‌تا) و در عین حال جعل هنگامی را از مراجع دریافت می‌کند.

بنابراین جعلی که توسط مشتری (جاعل اول) به بانک داده می‌شود، در ازای تلاش بانک نیست، بلکه در واقع به خاطر کمتر بودن جعل دوم، عملاً این پول بهره تسهیلاتی خواهد بود که مشتری از بانک اخذ نموده؛ از این جهت که از همان اول انگیزه بانک از

۱. وام به معنای عام یعنی تسهیلات که به این معنا شامل وام جعاله می‌شود؛ لذاست که گیرنده حق ندارد آن را در غیر از راه مشخص خرج نماید. اما وام به معنای خاص یعنی قرارداد قرض که عقد تملیکی است و می‌تواند در هر راهی مصرف نماید.

انعقاد دو جعاله، به دست آوردن مابه‌التفاوت جعل بود؛ در صورتی که طبق حکم فقه، جعل به عاملی داده می‌شود که کاری انجام دهد، حال آنکه بانک عملی انجام نمی‌دهد و صرفاً نظارت بر حسن اجرا دارد و این عمل عرفی محسوب نمی‌شود که در قسمت بررسی روایات به آن پرداخته خواهد شد؛ حال این نظارت را چه بانک انجام دهد و چه وکیل او. در نتیجه، دریافت مابه‌التفاوت دو جعل توجیهی ندارد و قرارداد صوری خواهد شد. بنابراین بانک در واقع از این وسیله یعنی تسهیلات جعاله، برای گرفتن زیادی در قرض با استفاده از قالب شریعت استفاده می‌کند؛ لذا شبهه ربا نیز در اینجا قوی است.

همچنین بر این اساس، دریافت اختلاف دو جعل توسط بانک، مصداق اکل مال بالباطل است، به این معنا که هزینه‌ای دریافت شده که قرار بود در قبال عمل باشد، ولی عملی انجام نشده است که بر اساس احکام فقه، هم دریافتش حرمت شرعی دارد و هم تصرف در آن باطل است و دریافت کننده مالک آن نخواهد شد (شهید اول، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص ۱۹۸؛ محقق ثانی، ۱۴۱۴ق، ج ۴، ص ۹۶). لذا قانون‌گذار در مقام تقنین به این مسئله توجه داشته (دستورالعمل اجرایی جعاله، ۱۳۶۳، ماده ۴) و تلاش کرده بانک در مقام عامل فعالیت داشته باشد که نزد عرف کار به حساب می‌آید تا این اشکال پیش نیاید، ولی آنچه مورد نظر وی است در مقام عمل غالباً اجرا نمی‌شود؛ بنابراین چنین قراردادی، هم مبتلا به اشکال شرعی و هم قانونی است.

۲-۲. شبهه غرری بودن اصل قرارداد و عدم تحقق قصد معامله

این قرارداد شبهه غرری بودن دارد؛ چون غالباً کسانی که در این قرارداد جاعل نامیده می‌شوند (کارفرمای اول که تمام این فرآیندها به خاطر او انجام می‌پذیرد)، از مفاد آن آگاه نمی‌گردند، زیرا متن آن به گونه‌ای تنظیم شده که حاوی انبوهی از اصطلاحات فقهی و حقوقی است که حتی کارکنان بانک و متخصصان فن هم در فهم آن دچار مشکل می‌شوند، لذا حتی صرف خواندن آن توسط مشتری بانک هم رفع غرر نمی‌کند. علاوه بر این، درباره عقد و کالتی که با متقاضی تسهیلات بسته می‌شود، باید گفت

که طبق قاعده «العقود تابعة للقصود؛ تحقق عقدها در گرو قصد و نیت فاعل آن است» (فخرالمحققین، ۱۳۸۷ق، ج ۳، ص ۲۱۱؛ ترحینی عاملی، ۱۴۲۷ق، ج ۴، ص ۵۷۴)، لازم است مشتری چنین عقدی را قصد نماید، ولی غالب مشتریان بانک نمی‌دانند چه می‌کنند، لذا قصد معامله از ایشان متحقق نمی‌شود، بلکه در عمل فقط به دنبال به دست آوردن پول هستند تا برای انجام کار مورد نظرشان هزینه کنند؛ پس انعقاد عقد و کالت با توجه به عدم تمشی قصد و کیل - که همان کارفرمای اول باشد - نیز محل اشکال است.

۲-۳. خلاف ظاهر اخبار صحیحه

اشکال دیگر، وجود روایات مانعه درباره جایی است که کسی انجام عملی را بپذیرد و سپس آن را در ازای جعل کمتری به دیگری واگذار نماید تا از این راه سودی ببرد. اخبار در اینجا صراحت در منع دارد (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۳، ص ۱۹۱)؛ برای نمونه، دو روایت مورد اشاره قرار می‌گیرد:

۱. مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ صَفْوَانَ عَنِ الْعَلَاءِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا عليه السلام أَنَّهُ سُئِلَ عَنِ الرَّجُلِ يَتَقَبَّلُ بِالْعَمَلِ فَلَا يَعْمَلُ فِيهِ وَيَدْفَعُهُ إِلَى آخَرَ فَيَرْبِحُ فِيهِ، قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا إِلَّا أَنْ يَكُونَ قَدْ عَمِلَ فِيهِ شَيْئًا؛ از امام عليه السلام پرسیده شد درباره حکم کسی که انجام دادن کاری را تقبل نموده، سپس بدون اینکه کاری انجام داده باشد آن را به دیگری واگذار می‌کند، پس، از این کار سود می‌برد. امام عليه السلام فرمودند: «جایز نیست مگر آنکه در رابطه با آن کاری انجام داده باشد» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۲۷۳، ح ۱).

بررسی سند: أبو جعفر محمد بن یحیی العطار قمی، شیخ کلینی است و نجاشی وی را توثیق نموده است (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۳۵۳). محمد بن حسین بن ابی الخطاب أبو جعفر الزیات الهمدانی نیز توثیق دارد (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۳۳۴). صفوان بن یحیی و محمد بن مسلم نیز که از اصحاب اجماع هستند، «أحدهما» هم مردد بین امام باقر و امام صادق عليهما السلام است. بنابراین روایت صحیح و مسند است و بحثی در سندش وجود ندارد.

۲. وَعَنْهُ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنِ الْعَلَاءِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي حَمْرَةَ عَنْ أَبِي

جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَتَقَبَّلُ الْعَمَلَ فَلَا يَعْمَلُ فِيهِ وَيَدْفَعُهُ إِلَى آخَرَ يَزِيحُ فِيهِ، قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَأَ؟ از امام عَلَيْهِ السَّلَامُ درباره شخصی پرسیدم که عملی را قبول می‌کند انجام دهد، پس کاری انجام نمی‌دهد و آن را به دیگری واگذار می‌کند و سود می‌برد، امام عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: جایز نیست (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۹، ص ۱۳۳).

بررسی سند: محمد بن حسن بن علی الطوسی، شیخ طوسی است که شکی در وثاقتش نیست. ایشان به سند خودش از احمد بن محمد بن عیسی اشعری قمی که وی نیز از بزرگان امامیه و دارای توثیق است نقل نموده. سند شیخ به ایشان، محمد بن یعقوب کلینی و «عدة من أصحابنا»ی او است (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۳۰، ص ۱۳۲)؛ لذا هر چند بین شیخ و احمد بن محمد تعلیق است، اما چون راویان معلوم‌اند، خللی در سند وارد نمی‌کند. علی بن حکم الأنباری (شیخ طوسی، بی تا، ص ۲۶۳) و علاء بن رزین القلاء (نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۲۹۸) نیز توثیق دارند و از أجلاء امامیه هستند. محمد بن مسلم نیز در حدیث قبل توضیحش گذشت. ثابت بن دینار (أبو حمزه ثمالی) نیز ثقة و جلیل‌القدر است (نجاشی، ۱۴۰۷، باب الثاء). در مجموع این روایت مانند قبلی صحیح و مسند است و از حیث سند مشکلی ندارد.

دلالت روایات

سود بردن در صورتی اتفاق می‌افتد که جعل دوم کمتر از جعل اول باشد. در این فرض متقبل سود می‌برد و الا اگر مقدار هر دو جعل مساوی باشد یا اولی بیشتر باشد، فایده و ربحی برای وی نخواهد داشت. بنابراین مقصود امام عَلَيْهِ السَّلَامُ از نهی در هر دو روایت به‌طور واضح همین فرضی است که بیان شد، الا اینکه عامل اول به نسبت کاری که پذیرفته، انجام دهد. مقصود از عمل، هم بر اساس عبارت «قَدْ عَمَلَ فِيهِ شَيْئاً» و اینکه ضمیر در فیه به عمل سپرده شده برمی‌گردد، و هم به قرینه سؤال در روایت، این است که بخشی از عمل سپرده شده را انجام دهد؛ به گونه‌ای که در آن تغییری حاصل شود. پس امثال نظارت که چنین ویژگی‌ای ندارد، نمی‌تواند عمل اصلاحی به حساب آید. بعضی از فقهای معاصر نیز به این نکته اشاره نموده‌اند (جمعی از پژوهش‌گران،

۱۴۲۳ق، ج ۴، ص ۱۵۹). همچنین باید توجه داشت که دیدگاه بعضی فقها در خصوص این روایات که فرموده‌اند اخبار مانعه از باب جمع بین اخبار جواز و منع، حمل بر کراهت می‌شود، حرف غلطی است (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۵۵، ص ۱۸۰)؛ به دلیل اینکه روایت مستند جواز، صحیح‌أبی حمزه است که طبق کتب روایی موجود «لا بأس» نیست، بلکه «لا» پاسخ امام علیه السلام است و به احتمال زیاد اشتباه در نسخه برداری شده است (نجفی، بی تا، ج ۲۷، ص ۳۱۹). لذا در این مسئله نظر برخی فقها که جعله و کالتی را بدون اینکه بانک هیچ گونه فعلیتی انجام دهد صحیح می‌دانند، قابل قبول نیست (منتظری نجف آبادی، بی تا، ج ۳، ص ۲۶۵).

۲-۴. پیش‌دریافت بانک از کارفرما

نکته ۳. مطابق ماده ۷۰ آیین‌نامه فصل سوم قانون عملیات بانکی بدون ربا (آیین‌نامه فصل سوم قانون عملیات بانکی بدون ربا، بی تا، ماده ۷۰) بانک‌ها اجازه دارند قسمتی از مبلغ قرارداد جعله را به عنوان پیش‌دریافت یا پیش‌پرداخت، با رعایت ضوابط مقرر از سوی شورای پول و اعتبار، دریافت کنند یا بپردازند (موسویان، ۱۳۹۵، ص ۵۸).

اضافه بر نکته فوق، بانک بعد از اعطای تسهیلات، شروع به گرفتن اقساط می‌کند که از جهت فقهی جعل قرارداد هستند. اشکالی که در این موارد به ذهن می‌رسد، نسبت به زمان استحقاق جعل برای بانک است؛ جعل از نظر فقهی در مقابل عمل است و عامل بعد از عمل مستحق آن می‌شود. حال حتی اگر جعله را عقد بدانیم، عندالعقد هیچ‌گونه مالکیت و استحقاقی برای عامل درست نمی‌شود. البته در جعله همان‌طور که صاحب جواهر می‌فرماید و مورد پذیرش است (نجفی، بی تا، ج ۳۵، ص ۱۹۹)، اگر امکان توزیع اجرت بر عمل وجود داشته باشد و عامل به اندازه‌ای که مقابل سهمی از مزد بتواند قرار گیرد عمل را انجام داده باشد، می‌توان گفت دادن مقداری از جعل که در ازای آن عمل است بی‌اشکال است، اما اگر قابل توزیع نباشد، یا اگر هست، بیشتر از آن مقدار عمل صورت گرفته به عامل پرداخت گردد، محل اشکال و تأمل است.

۲-۵. ملاک سود دریافتی بانک و تفاوت دو جعل

نکته ۴. مطابق ماده ۸ دستورالعمل اجرایی، جعل دریافتی به وسیله بانک‌ها باید افزون بر پوشش هزینه‌های انجام شده، حاوی سود معین برای بانک باشد. حداکثر یا حداقل میزان سود به وسیله شورای پول و اعتبار تعیین خواهد شد (موسویان، ۱۳۹۵، صص ۵۹-۵۸).

اشکال دیگری که در اینجا شایان دقت است، این است که با فرض صحت قرارداد جعاله اول و صوری نبودن آن، بانک مابه‌التفاوت دو جعل را براساس کارکرد پول اخذ می‌نماید، نه ارزش عملی که انجام داده، درحالی که ارزش عمل ملاک قیمت‌گذاری است، چون درغیراین صورت، ممکن است معامله برای جاعل اول مصداق سفته گردد و عمل ناچیزی که بانک انجام می‌دهد، صرفاً برای فرار از ربا محسوب شود. نکته هفتم که در ادامه می‌آید، درخصوص این است که ملاک بانک برای محاسبه مقدار جعل قرارداد دوم، سود مناسب است، نه ارزش عمل:

نکته ۷. در جعاله‌های بانکی، به‌طور معمول، متقاضی تسهیلات با بانک جعاله‌ای به‌صورت نسیه اقساطی منعقد می‌کند، مبنی بر اینکه بانک کار خاصی را برای او انجام دهد و جعل به صورت نسیه اقساطی از او دریافت کند. سپس بانک در قرارداد جعاله دیگری که به صورت نقد است، انجام کار را به عامل دیگری می‌سپارد. در نتیجه، منابع بانک به صورت نقد پرداخت شده و به صورت نسیه اقساطی برگشت می‌شود. بر این اساس، تفاوت جعل قرارداد نخست با قرارداد دوم باید به اندازه‌ای باشد که به تناسب مبلغ و مدت بازگشت منابع بانک سود مناسبی باشد. مابه‌التفاوت قیمت جعاله نقد با جعاله نسیه سود بانک خواهد بود. از نظر فقهی چون دو قرارداد مستقل از هم بوده و طرفین معامله متفاوت هستند، زیادی جعل قرارداد اول نسبت به قرارداد دوم اشکالی نخواهد داشت (موسویان، ۱۳۹۵، صص ۵۹-۵۸).

۲-۶. تعارض فقه نظام‌ساز و وام جعاله موازی و وکالتی

یکی از اشکالات مهم و کلی اصل قرارداد تسهیلات جعاله که چه بسا به قراردادهای

دیگر بانکی هم وارد باشد و ارتباطش با موضوع تحقیق از این بابت است که جعل، مستند به آن دریافت می‌گردد، یک سویه بودن قرارداد به نفع بانک و تمرکز بر التزامات متقاضی وام، یعنی خانوارها و بنگاه‌های کوچک اقتصادی، و در نتیجه منافات با روح اغراض فقه شیعه در بُعد معاملی، از حیث نظام‌سازی مبتنی بر ولایت فقیه است. در چنین نظام بانکی‌ای، بانک به عنوان سرمایه‌دار روزبه‌روز تقویت مالی بیشتری می‌شود و خانوارها و بنگاه‌های اقتصادی، یا هیچ منفعتی عایدشان نمی‌شود یا کمترین منفعت را از این قراردادها می‌برند. این مسئله باعث گُندشدن رونق تولید و به دنبال آن کندشدن رونق فضای کسب و کار و اقتصاد جامعه در درازمدت می‌گردد و این علاوه بر اشکال نقض غرض قانون‌گذار که بیان شد، با روح حاکم بر نظام اسلامی که بر مبنای رحمت و رأفت و تعاون و همکاری براساس تقوا است منافات دارد. بیان یکی از فقهای حاضر و از شاگردان امام خمینی‌ره و محقق خوبی‌ره در این خصوص در یکی از جلسات درس خارج فقه‌شان با موضوع بانک‌داری اسلامی، شاهدی بر هم‌سوی بودن چنین رویکردهایی با فقه نظام‌ساز و مبتنی بر محوریت ولایت فقیه در جامعه است:

اما صرف این تطبیق (قراردادهای بانکی از جمله وام جعاله، بر موازین شرع) برای ما کفایت نمی‌کند؛ چراکه ما متصدی حکومت اسلامی هستیم که مبتنی بر ولایت فقیه است. امام خمینی علیه السلام دائماً می‌فرمود: مقدار متیقن از ولایت در مواردی است که اجرای آن از حکومت‌های صالحه انتظار می‌رود. حکومت‌های صالح مردمی، قوانین و مقررات مورد رضایت مردم دارند و قوانین آنها بر اساس رفق و مدارا با مردم و عادلانه و براساس رحمت و محبت می‌باشد... اما بعضی از شروطی که ما در متن قراردادهای بانکی مطالعه نمودیم با این دیدن^۱ مطابقت ندارند؛ مثلاً در بند هشتم (قرارداد جعاله مسکن، بی‌تا، ماده ۸) گفته شده که جاعل یعنی مراجع، باید موانع بر راه عمل را بردارد و در غیر این صورت بانک پول خود را برداشته و تمامی عواقب آن به عهده جاعل

۱. روش

خواهد بود، درحالی که بانک مأمور به انجام عمل است و خود باید موانع را مرتفع نماید. در مورد دیگر گفته شده بود (قرارداد جعاله مسکن، بی تا، ماده ۱۱) در صورتی که تخلف جاعل نسبت به قرارداد برای بانک مشخص شود، بانک می تواند فسخ قرارداد کند و خسارت به عهده جاعل خواهد بود. چگونه می شود که بانک هم طرف قرارداد باشد و هم قاضی و مرجع تشخیص تمبرد جاعل از قرارداد؟ لذا باید مرجع تشخیص فرد ثالث که مرضی الطرفین است و یا مراجع قضایی باشد (موسوی جزایری، ۰۵ بهمن ۱۳۹۳، درس خارج فقه بانک داری اسلامی).

آنچه در ادامه معضلات فقهی و قانونی به بحث گذاشته می شود، ناظر به نمونه قرارداد جعاله تعمیر مسکن در قبال تعهد شخص ثالث (قرارداد جعاله مسکن، بی تا) بانک ملی ایران است.

۲-۷. تردید در جعل

در مبحث جعاله و لزوم معین بودن جعل، هر چند مانند عقد اجاره نیاز به تعیین دقیق ندارد، ولی مشهور فقها قائل به این موضوع هستند که به هر حال جعل باید معلومی داشته باشد (شیخ طوسی، ۱۴۰۸ق، ص ۲۷۲؛ محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۳، ص ۱۲۶) و اساساً همین معلومیت است که در عامل ایجاد انگیزه انجام عمل را می کند؛ حتی طبق مبنای فقهایی مانند شهید اول (شهید اول، ۱۴۱۰ق، ص ۱۶۵) مبنی بر اینکه جعل تحمل نامعلوم بودن را دارد و تا حد زیادی عدم معلومیت ضرری به این قرارداد نمی زند، اما با توجه به کیفیت انعقاد آن توسط بانک، معلوم است که از جمله جعاله هایی است که طرفین خصوصاً عامل یعنی بانک، اصرار بر محدود بودن همه اطراف آن را دارد. براین اساس به نظر می رسد برخی مفاد موجود در قراردادهای جعاله بانکی از این حیث محل اشکال است که در ذیل مورد اشاره قرار خواهد گرفت.

ماده ۲. مدت انجام عملیات جعاله موضوع این قرارداد ... ماه از تاریخ انعقاد می باشد و در صورتی که به تشخیص بانک افزایش مدت ضرورت یابد، از تاریخ انقضاء مدت قرارداد تا مدتی که حسب تشخیص بانک ضرورت داشته باشد،

مدت قرارداد تمدید و جعل بانک نیز افزایش می‌یابد و جاعل در مورد افزایش

مدت و جعل بانک اعتراضی نخواهد داشت (قرارداد جعله مسکن، بی‌تا).

در خصوص امکان افزایش اجرت باید گفت که جعله یا ایقاع است که در این صورت صرف التزام جاعل برای تحقق این امر کافی است - که البته هرگونه افزایشی باید از طرف جاعل اتفاق بیفتد، یا عقد است که در این صورت نیز هرگونه افزایشی مبتنی بر التزام جاعل است. همچنین اگر عامل پیشنهاد افزایش جعل بدهد و جاعل نیز بپذیرد، باز هم صحیح است. اما اینکه بانک از طرف خودش یک التزام فرضی و اگر در باره ازدیاد جعل درست کند که نه وقوع موجب آن معلوم است و نه مقدارش، صحیح نخواهد بود؛ چون مشخص نیست جاعل باید متعهد به چه مقداری شود. در قراردادی که تا این حد بر معلومیت التزامات جاعل تأکید شده، این ماده سنخیتی با دیگر مواد ندارد. به عبارت دیگر، عدم رضایت طرفین به هرگونه غرری که منجر به جهالت زیان‌بار شود، شرط ارتکازی و مسلم بین طرفین و مستفاد از بندهای متعدد این قرارداد است که بر این اساس چنین ماده‌ای خلاف آن خواهد بود و معامله را مصداق غرر می‌کند. به هر حال این ماده با معلومیت جعل که مبنای فقهی و حقوقی قرارداد جعله در بانک‌ها است سازگاری ندارد و مستلزم غرر غیر قابل چشم‌پوشی در جعله است.

۸-۲. تفکیک کردن هزینه‌های بانک (عامل) از جعل استحقاقی

ماده ۸ در صورتی که در ضمن انجام عملیات جعله، بروز مضایق و موانعی از قبیل در دسترس نبودن لوازم و وسایل و ابزار کار یا ممانعت مراجع ذی‌صلاح مانع ادامه عملیات جعله شود، جاعل موظف به رفع آن مضایق و موانع می‌باشد و در صورت عدم رفع و متعذر بودن ادامه عملیات، جاعل موظف به پرداخت هزینه‌های به‌عمل آمده تا آن تاریخ و جعل بانک به نسبت کار انجام شده به میزانی که بانک معین نماید می‌باشد و حق هرگونه ایراد و اعتراض نسبت به ناتمام ماندن عملیات جعله و جعل بانک را از خود سلب و اسقاط نمود (قرارداد جعله مسکن، بی‌تا).

جعلی که توسط مشتری (جاعل) به بانک داده می‌شود، در قبال انجام عملیات موضوع جعله است که هزینه‌های به‌عمل آمده توسط عامل (بانک) و همچنین رفع مضایق و موانع به‌عهده عامل است، نه جاعل، و اساساً اگر او می‌توانست خودش این امور را تمشیت نماید، اقدام به انعقاد قرارداد جعله نمی‌نمود. پس اینکه عامل به جاعل بگوید تو باید موانع عمل را برداری، با روح جعله که سپردن کار به عامل بوده منافات دارد. در واقع عامل می‌بایست عمل خواسته‌شده را انجام دهد و برداشتن موانع و امثال آن نیز جزو عمل است و قابل تفکیک از آن نیست؛ فلذا این شرط با ماهیت جعله ناسازگار است؛ ضمن آنکه جعلی که عامل دریافت می‌کند، در قبال مجموع انجام عمل و از نگاه مجموعی به آن است، پس معنا ندارد بانک هم جعل بگیرد و هم هزینه کردها را اخذ نماید.

اشکال دیگر اینکه توزیع جعل نیز تابع شرایط خودش است و در هر موردی امکان ندارد؛ فقها در این زمینه در صورتی مجوز این کار را می‌دهند که جعل قابل توزیع بر عمل باشد که مورد اشاره قرار گرفت (نجفی، بی تا، ج ۳۵، ص ۱۹۹) و لذا اینکه در قرارداد بانک این نکته ملحوظ نیست، اشکال دیگری است که به نظر می‌رسد. ضمناً اشکال سومی به نظر می‌رسد و آن اینکه بانک طرف قرارداد، و ذی نفع است، و لذا اینکه خودش را مرجع مقدار جعل استحقاقی در صورت ناقص ماندن عمل دانسته، صحیح نیست.

۲-۹. حرمت دریافت جریمه تأخیر تأدیه

ماده ۱۰. در صورت عدم تصفیه کامل بدهی ناشی از قرارداد تا سررسید مقرر به علت تأخیر تأدیه بدهی، این قرارداد از تاریخ سررسید تا تاریخ تصفیه کامل بدهی مبلغی بر ذمه جاعل تعلق خواهد گرفت؛ از این رو جاعل با امضای این قرارداد تعهد نمود علاوه بر بدهی تأدیه‌نشده به‌ازاء هر سه هزار ریال ... ریال در روز نسبت به بدهی مذکور بر حسب قرارداد به بانک پرداخت نماید. به همین منظور، جاعل ضمن امضای این قرارداد به‌طور غیرقابل برگشت به بانک حق و

اختیار داد که از تاریخ سررسید تا تاریخ تصفیه کامل بدهی معادل مبلغ قرارداد از حساب‌های جاعل برداشت و یا به‌همان میزان از سایر دارائی‌های وی تملک نماید. اخذ مبلغ موضوع این ماده مانع از تعقیب عملیات اجرایی برای وصول مطالبات بانک نخواهد شد. توافق شد که هر بار بانک از وجوه دریافتی یا وصولی بدو خسارت تأخیر تأدیه موضوع این ماده را برداشت و پایاپای نماید (قرارداد جعاله مسکن، بی‌تا).

عمده اشکال در این بند عبارت است از مبلغی که بانک به‌عنوان تأخیر تأدیه می‌گیرد که مصداق جریمه دیرکرد بوده و طبق مبنای مشهور فقهای معاصر که درخصوص مسائل بانکی و به‌خصوص در این مسئله اظهارنظر نموده‌اند جایز نیست (منتظری نجف‌آبادی، بی‌تا، ج ۳، صص ۱۹۳، ۲۴۳؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۷ق، ج ۲، ص ۵۸۹؛ مکارم شیرازی، بی‌تا، ص ۱۳۷؛ بهجت، ۱۴۲۸ق، ج ۳، ص ۳۶۳؛ فاضل لنکرانی، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۰۶؛ تبریزی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۶۴).

۳. جمع‌بندی و راه‌حل‌های پیشنهادی برای وضعیت موجود بانک‌ها

باوجود اشکالات فقهی تسهیلات جعاله بانکی که در این تحقیق طرح گردید، می‌توان برای این معضلات راه‌حلی‌هایی ارائه نمود که بر شرایط فقهی منطبق باشد و غرض قانون‌گذار را نیز تامین نماید. درعین حال درباره برخی از موارد نیز می‌بایست رویه فعلی بانک‌ها به‌طور کلی اصلاح گردد. براین‌اساس پیشنهادهای نویسنده در ادامه مطرح می‌گردد:

راه‌حل جلوگیری از صوری‌شدن قرارداد در قالب نقدونظر پیرامون نکته دوم مرحوم موسویان در ادامه می‌آید:

نکته ۲. طبق ماده چهارم (دستورالعمل اجرایی جعاله، ۱۳۶۳، ماده ۴) بانک این اختیار را دارد که انجام قسمتی از کار را با عنوان «جعاله ثانوی» یا هر عنوان دیگر، به دیگری واگذار کند و بانک موظف است بر حسن اجرای این قرارداد نظارت کند. به‌موجب این ماده، بانک نمی‌تواند انجام‌دادن تمام کارِ موردجعاله را به خود جاعل واگذار کند، زیرا این کار جعاله اول را تبدیل به معامله صوری

کرده و زیاده دریافت شده به وسیله بانک شبهه ربا خواهد داشت. همچنین بستن قرارداد معامله صوری جعاله با بانک (به عنوان نمونه برای تعمیر ساختمان و سرمایه گذاری پول دریافتی در جایی مانند یک عمل تجاری) ممنوع و موجب بطلان جعاله می شود. در این فرض، بانک حق دارد افزون بر استرداد جعَل، اجرت المثل کارهایی که انجام داده است، بگیرد (موسویان، ۱۳۹۵، صص ۵۸-۵۹).

قسمت دوم این نکته، از جهت فقهی کاملاً صحیح است، زیرا جعاله مانند قرض، عقد تملیکی نیست؛ بنابراین جعلی که به عامل داده می شود، در ازای عمل معین است و از آنجا که عقود تابع قصد هستند، وام جعاله فقط در همان راه باید مصرف شود (خامنه‌ای، ۱۳۹۸، استفتانات (فقه و احکام شرعی؛ سیستمی، بی تا، پرسش و پاسخ وام، پرسش ۱۱؛ مکارم شیرازی، بی تا ب، جامع المسائل)، اما درباره قسمت اول این نکته، یعنی لزوم نظارت بانک که محتوای ماده ۴ دستورالعمل اجرایی جعاله است، باید گفت می تواند جلوی منجر شدن به ربا را بگیرد، ولی سخن و اشکال در اجرای آن در مقام عمل است. همچنین به فرض که اجرا شود مشکل دیگری دارد، و آن اینکه ذیل معضل اول و چهارم اشاره شد که صرف نظارت بانک، عمل اصلاحی به منظور مجاز شدن برای انعقاد قرارداد جعاله دوم با جعل کمتر نسبت به جعاله اول محسوب نمی شود. در هر حال راه حل مسئله این است که بانک درباره عملی که پذیرفته، کارهایی را، هر چند مقدماتی در جهت پیش برد آن و به عبارت دیگر مقداری از عمل را انجام دهد؛ مثلاً اقدام برای گرفتن پروانه ساختمان، یا پیدا کردن بیمارستان و تعمیرگاه متخصص با قیمت مناسب برای انجام کار مورد نظر. در این صورت سپردن آن به عامل دوم، هر چند با وکالت دادن به جاعل اول باشد اشکالی نخواهد داشت. ضمناً نیازی به نظارت بانک بر عملیات اجرایی مفاد ماده ۴ دستورالعمل اجرایی جعاله نیز نخواهد بود، چون فلسفه اش صوری نشدن قرارداد بود که اگر بانک کارهایی که عرف آنها را عمل محسوب می کند انجام می دهد حل خواهد شد.

همچنین با هدف رفع غرر معامله، مطلع کردن و توجیه نمودن کامل مشتری از مفاد قرارداد و وظیفه بانک است؛ هر چند برای این منظور متحمل هزینه هم بشود. به عنوان مثال پیشنهاد می گردد افرادی را صرفاً به این منظور به کارگیری و آموزش دهند تا در بخش

تسهیلات بانک این وظیفه را به عهده بگیرند و مشتریان بانک را به طور کامل در جریان روند و ماهیت قرارداد قرار دهند. این امر علاوه بر توجیه مشتری و رفع غرر، موجب تحقق واقعی قصد متعامل که ضامن صحت معامله است خواهد شد؛ ضمن اینکه باعث تقویت و ترویج توجه به دستورات دینی می گردد؛ خصوصاً در زمینه مسائل اقتصادی که کمتر مورد توجه مردم است.

در خصوص مسئله عدم مطابقت با اخبار نیز تنها راه این مسئله انجام عمل اصلاحی بانک است که در عرف کار محسوب شود و به تفصیل در پیشنهاد اول به آن پرداخته شد.

پیش دریافت بانک نیز می تواند در قالب شرط یا چیزی که جاعل علاوه بر التزام به جعل، به آن ملتزم شده باشد قرار گیرد، ولی باید این نکته هم مدنظر باشد که جعل در این شرایط، مملوک عامل نشده، لذا تحت عنوان امانت و امثال آن در اختیار او خواهد بود.

راه حل سود دریافتی بانک آن است که برای بانک در این قرارداد عملی تعریف شود که ارزش مقابل قرار گرفتن زیادی دریافتی اش را داشته باشد. ضمناً بانک نمی بایست مابه التفاوت جعل اول و دوم را براساس کارکرد پول در طول مدت بازپرداخت وام لحاظ نماید، بلکه مقدار عرفی ای که با عمل اصلاحی تناسب دارد، باید دریافت نماید.

در خصوص هماهنگی با روح نظام مبتنی بر ولایت فقیه نیز توجه به شرایط اقتصادی و نیاز مشتری بانک که نوعاً قشر ضعیف و متوسط جامعه است، به شکلی که این قرارداد در نتیجه باعث بهبود وضعیت اقتصادی اش - هرچند اندک - بشود، از مصادیق بارز تعاون و همکاری براساس نیکی و تقوا و مطابق با روح رحمت و مدارا و رفق حاکم بر نظام مبتنی بر ولایت فقیه است.

در مورد تردید در جعل در صورتی که طی شرطی تشخیص نیاز به افزایش مدت برای انجام عمل را به عهده یک طرف بگذارند، طبق قاعده، شرط صحیح بوده و منافاتی با مقتضای جعاله ندارد، ولی بعد از تشخیص باز احتیاج به التزام جاعل دارد. از نظر

شرعی، راه حل این است که بانک معلوم کند به ازای هر مدتی که عمل غیرمستند به وی طول بکشد، مقدار مشخصی به جعل بانک اضافه می گردد و جاعل نیز ملتزم به آن شود. این سخن بر فرض پذیرش این مبنا است که جعله تحمل چنین تردیدی نسبت به جعل را داشته باشد. به نظر می رسد ماده ۳ این قرارداد می تواند تا حدود زیادی مشکل را حل کند:

ماده ۳. از هزینه های پیش بینی شده جهت انجام عملیات جعله موضوع این قرارداد مبلغ (به عدد) ... ریال (مبلغ به حروف: ... ریال) آن حسب تقاضای جاعل توسط بانک تأمین و به تشخیص بانک پرداخت گردد. چنانچه جهت انجام عملیات موضوع جعله علاوه بر مبلغ پیش بینی شده فوق احتیاج به صرف هزینه بیشتری باشد، بانک حق دارد هزینه های اضافی لازم را نیز تأمین و پرداخت نماید و کل هزینه های مصرف شده را از جاعل مطالبه و وصول کند. صرف اظهار بانک در مورد کل هزینه های به عمل آمده و هزینه های انجام شده به وسیله بانک مورد قبول جاعل بوده و جاعل حق هر گونه ایراد و اعتراضی نسبت به آن را از خود سلب و اسقاط نمود (قرارداد جعله مسکن، بی تا).

در هر صورت مهم این است که مبلغی که بانک صرف می کند مشخص شود، چون این هزینه ها بر اساس ماده ۴ همین قرارداد، جزو جعل بانک به حساب می آید، پس باید معلوم باشد؛ حال آنکه طبق مفاد ماده ۳، مقدار این هزینه ها مشخص نیست و علاوه بر این احتمالی است. البته بانک می تواند جعل معین را از جاعل دریافت کند و هزینه های مذکور را طبق شرطی که با وی کرده، جداگانه دریافت نماید؛ اشکال زمانی است که بخواهد جعل نهایی را نامعلوم و تابع هزینه های مذکور نماید که همان اشکال جعل مردد به وجود می آید که با قرارداد جعله ای که بانک با این همه بند و تبصره می بندد سازگاری ندارد.

پیشنهاد برای پرداخت هزینه های پیش آمده های غیرمورد انتظار این است که جاعل موظف نیست رفع مضایق کند مگر با شرط؛ هر چند این شرط با ماهیت جعله سازگاری ندارد، ولی با توجه به ایقاع بودن یا نهایتاً عقد جایز بودن جعله، قاعده المؤمنون عند

شروطهم (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۱، ص ۲۷۶) قابل توجیه است. پرداخت جعل تا زمان فسخ نیز در گرو امکان توزیع جعل بر عمل است و در غیر این صورت باید چاره‌ای دیگر اندیشیده شود و الا مستند به جعله جاری محل اشکال است. ضمن آنکه در خصوص تعیین جعل احتمالی لازم است حکمی صالح و متخصص و مورد رضایت طرفین در این زمینه نظر بدهد؛ آن‌هم در صورتی که صحت مسئله توزیع حل شده باشد. در خصوص جریمه تأخیر تأدیه نیز راهی جز حذف از قوانین بانکی ندارد و مخالف صریح فتاوی علمای است که در ضمن معضل دهم مطرح گردید.



فهرست منابع

۱. آیین نامه فصل سوم قانون عملیات بانکی بدون ربا، تصویب نامه شماره ۸۸۶۲۰ هیأت وزیران، ماده ۷۰. (۱۳۶۲/۱۰/۱۴). (قوانین و مقررات). برگرفته از: پایگاه اطلاع رسانی بانک مرکزی ایران: www.cbi.ir.
۲. ازهری، محمد بن احمد. (بی تا). تهذیب اللغة (ج ۱، چاپ اول). بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳. امامی، سید حسن. (بی تا). حقوق مدنی (ج ۲). تهران: انتشارات اسلامی.
۴. بهجت، محمد تقی. (۱۴۲۸ق). استفتائات (ج ۳، چاپ اول). قم: دفتر حضرت آیت الله بهجت رحمته الله علیه.
۵. تبریزی، جواد بن علی. (بی تا). استفتائات جدید (ج ۲، چاپ اول). قم: نرم افزار جامع فقه.
۶. ترحینی عاملی، سید محمد حسین. (۱۴۲۷ق). الزبدة الفقهية فی شرح الروضة البهیة (ج ۴، ۵). قم: دارالفقه للطباعة والنشر.
۷. جمعی از پژوهشگران: زیر نظر سید محمود هاشمی شاهرودی. (۱۴۲۳ق). موسوعة الفقه الاسلامی طبقاً لمذهب أهل البيت علیهم السلام (ج ۴، چاپ اول). قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام.
۸. جوهری، اسماعیل بن حماد. (۱۴۱۰ق). تاج اللغة وصحاح العربية. (ج ۱۴، محقق: احمد عبدالغفور العطار). بیروت: دار العلم للملایین.
۹. حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ق). وسائل الشریعة إلى تحصیل مسائل الشریعة (ج ۱۹، ۲۱، ۲۳، ۳۰، چاپ اول). قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۱۰. حسینی، سید عقیل. (بی تا). مقالات فقه پول و بانک، جعاله در بانک داری اسلامی. برگرفته از: سایت مؤسسه آموزش و تحقیقات فقه کاربردی: <https://tyb.ir>.
۱۱. حسینی سیستانی، سید علی. (بی تا). پرسش و پاسخ وام. برگرفته از: سایت رسمی دفتر مرجع عالیقدر آیت الله سیستانی: www.sistani.org/persian

۱۲. علامه حلی، حسن بن یوسف. (۱۴۱۳ق). قواعد الاحکام فی معرفة الحلال والحرام (ج ۱). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۳. علامه حلی، حسن بن یوسف. (بی تا). تذکرة الفقهاء (ج ۱۷). قم: مؤسسه آل البيت علیه السلام.
۱۴. فخرالمحققین حلی، محمد بن حسن. (۱۳۸۷ق). ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد (ج ۳). قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۱۵. محقق حلی، نجم الدین جعفر بن حسن. (۱۴۰۸ق). شرائع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام (ج ۳). قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۱۶. خامنه ای، سید علی. (۱۳۹۸). استفتائات (فقه و احکام شرعی). برگرفته از: پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری: www.leader.ir/fa/content/23153
۱۷. دستورالعمل اجرایی جعاله. (۱۳۶۳/۰۱/۱۹). ویکی بانک ۲۴: <https://wikibank.ir/24>
۱۸. سبزواری، سید عبدالاعلی. (۱۴۱۳ق). مهذب الاحکام. (ج ۱۸، محقق: مؤسسه المنار). قم: مؤسسه المنار، دفتر آیت الله سبزواری.
۱۹. شیخ طوسی، محمد بن حسن. (بی تا). الفهرست. نجف: المكتبة المرتضوية.
۲۰. طریحی، فخرالدین بن محمد. (۱۳۷۵). مجمع البحرين (ج ۵، محقق: احمد حسینی اشکوری، چاپ سوم). تهران: مرتضوی.
۲۱. طوسی، محمد بن علی بن حمزه. (۱۴۰۸ق). الوسيلة الى نيل الفضيلة. قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی علیه السلام.
۲۲. شهید اول، محمد بن مکی. (۱۴۱۰ق). اللمعة الدمشقية فی فقه الامامية (محققان: محمد تقی مروارید و علی اصغر مروارید، چاپ اول). بیروت: دار التراث - دار الاسلامیه.
۲۳. شهید ثانی، زین الدین بن علی. (۱۴۱۳ق). مسالک الأفهام الی تنقیح شرائع الاسلام (ج ۵۵، چاپ اول). قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه.
۲۴. شهید اول، محمد بن مکی. (۱۴۱۷ق). الدروس الشرعية فی فقه الامامية (ج ۳). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

۲۵. فاضل لنکرانی، محمد. (بی تا). جامع المسائل (فارسی) (ج ۱، چاپ یازدهم). قم: امیر قلم.
۲۶. فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۱۰). کتاب العین. (ج ۱، محققان: ابراهیم سامرای و مهدی مخزومی). قم: نشر هجرت.
۲۷. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب. (بی تا). القاموس المحيط (ج ۳، چاپ اول). بیروت: دار الکتب العلمیه.
۲۸. قرارداد جعاله مسکن. (بی تا). قرارداد جعاله تعمیر مسکن (در قبال تعهد شخص ثالث) بانک ملی ایران. تهران: <https://wikibank.ir/24>
۲۹. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). الکافی (ج ۵، محققان: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، چاپ چهارم). تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۳۰. محقق ثانی، علی بن حسین. (۱۴۱۴ق). جامع المقاصد فی شرح القواعد (ج ۴، چاپ دوم). قم: موسسه آل البیت علیه السلام.
۳۱. مظاهری، رسول. (۱۳۸۱). جعاله در بانکداری اسلامی (چاپ اول). قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۳۲. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۴۲۷ق). استفتائات جدید (ج ۲، چاپ دوم). قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام.
۳۳. مکارم شیرازی، ناصر. (بی تا الف). ربا و بانکداری اسلامی. قم: نرم افزار جامع فقه.
۳۴. مکارم شیرازی، ناصر. (بی تا ب). جامع المسائل. برگرفته از: پایگاه اطلاع رسانی دفتر آیت الله العظمی مکارم شیرازی: makarem.ir/ahkam/fa/category/index/37943
۳۵. منتظری نجف آبادی، حسینعلی. (بی تا). رساله استفتائات (نسخه اول، ج ۳). قم: نرم افزار جامع فقه.
۳۶. موسوی جزایری، سید محمدعلی. (۱۳۹۳/۱۱/۰۵). مدرسه فقاہت - درس خارج فقه نظام بانکداری. سایت ارتباط شیعی: <https://www.eshia.ir>.
۳۷. موسویان، سید عباس. (۱۳۹۵). نکته های فقهی اجرایی تسهیلات جعاله (تلخیص کننده: مسعود فرقانی). تهران: نشریه پیام مهم، ماهنامه داخلی بانک کشاورزی، (ش ۱۳۰).

۳۸. موسویان، سید عباس؛ کاوند، مجتبی و اسمعیلی گیوی، حمیدرضا. (۱۳۸۷). اوراق بهادار (صکوک) جعاله ابزاری کارآمد برای توسعه صنعت گردشگری. فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، ۸(۳۲)، صص ۱۴۱-۲۰۴.

۳۹. نجاشی، احمد بن علی. (۱۴۰۷ق). رجال النجاشی. قم: انتشارات جامعه مدرسین.

۴۰. نجفی، محمدحسن. (بی تا). جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام (ج ۲۷، ۳۵). بیروت: دار إحياء التراث العربی.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

References

1. A group of researchers: under the supervision of Seyyed Mahmoud Hashemi Shahroudi. (1423 AH). *Mawsu'at al-Fiqh al-Islami Tabagha le Madhab Ahl al-Bayt* (Vol. 4, 1st ed.). Qom: Institute of Islamic jurisprudence encyclopedia on the religion of Ahl al-Bayt. [In Arabic]
2. Allameh Heli, H. (1413 AH). *Qawa'id al-Ahkam fi Ma'arifah al-Halal va al-haram* (Vol. 1). Qom: Islamic Publications Office affiliated with Qom Seminary Teachers Society. [In Arabic]
3. Allameh Heli, H. (n.d.). *Tadzkirah al-Fuqahah* (Vol. 17). Qom: Alulbayt Institute.
4. Azhari, M. (n.d.). *Tahzib al-Lugha* (Vol. 1, 1st ed.). Beirut: Dar Ihya al-Toras al-Arabi.
5. Behjat, M. T. (1428 AH). *Istifta'at* (Vol. 3, 1st ed.). Qom: Office of Hazrat Ayatollah Behjat. [In Arabic]
6. Emami, S. H. (n.d.). *Civil rights* (Vol. 2). Tehran: Islamiyeh Publications.
7. Fakhr al-Mohaqqeen Heli, M. (1387 AH). *Izah al-Fawa'id fi Sharh Mushkilat al-Qawa'id* (Vol. 3). Qom: Esmailian Institute.
8. Farahidi, Khalil bin Ahmad. (1410 AH). *Kitab al-Ain* (Vol. 1, Sameraei, E., & Makhzoumi, M. Ed.). Qom: Hejrat Publications. [In Arabic]
9. Fazel Lankarani, M. (n.d.). *Jami al-Masa'il* (Persian) (Vol. 1, 11th ed.). Qom: Amir Qalam.
10. Firozabadi, M. (n.d.). *Al-Qamoos al-Muhit* (Vol. 3, 1st ed.). Beirut: Dar al-Kotob al-Ilmiyah.
11. Hor Ameli, M. (1409 AH). *Wasa'il Al-Shari'a ila Tahsil Masa'il al-Shariah* (Vol. 19, 21, 23, 30, 1st ed.). Qom: Alulbayt Institute. [In Arabic]
12. Hosseini Sistani, S. A. (n.d.). *Loan questions and answers*. From: the official website of the authority of Ayatollah Sistani: www.sistani.org/persian.
13. Hosseini, S. A. (n.d.). *Money and bank jurisprudence articles, Je'ala in Islamic banking*. From: Institute of Applied Jurisprudence Education and Research website: <https://tyb.ir>.

14. Housing Je'aleh contract. (n.d.). *Je'aleh contract for housing repair (against the obligation of a third party) National Bank of Iran*. Tehran: <https://wikibank.ir/24>.
15. *Je'aleh executive instruction*. (19/01/1363 AP). Wikibank 24: <https://wikibank.ir/24>. [In Persian]
16. Johari, I. (1410 AH). *Taj al-Lugha va Sahah al-Arabiya*. (Vol. 14, Abdul Ghafoor Al-Attar, A. Ed.). Beirut: Dar al-Ilm le al-Mala'een. [In Arabic]
17. Khamenei, S. A. (1398 AP). *Istifta'at* (jurisprudence and religious rulings). From: the information website of the Office of the Supreme Leader: www.leader.ir/fa/content/23153. [In Persian]
18. Koleyni, M. (1407 AH). *Al-Kafi* (Vol. 5, Ghafari, A. A., & Akhundi, M, Ed., 4th ed.). Tehran: Dar al-Kotob al-Islamiya. [In Arabic]
19. Makarem Shirazi, N. (1427 AH). *New religious Questions* (Vol. 2, 2nd ed.). Qom: Publications of Imam Ali Bin Abi Talib School. [In Arabic]
20. Makarem Shirazi, N. (n.d.). *Jame' al-Masa'il*. From: the information website of the office of Grand Ayatollah Makarem Shirazi: makarem.ir/ahkam/fa/category/index/37943.
21. Makarem Shirazi, N. (n.d.). *Usury and Islamic banking*. Qom: Comprehensive jurisprudence software.
22. Mazaheri, R. (1381 AP). *Je'aleh in Islamic banking* (1st ed.). Qom: Islamic Propaganda Office of Qom Seminary. [In Persian]
23. Mohaghegh Heli, N. (1408 AH). *Shara'e al-Islam fi Masa'il al-Halal va al-Haram* (Vol. 3). Qom: Esmailian Institute. [In Arabic]
24. Mohaqiq Thani, A. (1414 AH). *Jami al-Maqasid fi Sharh al-Qawa'id* (Vol. 4, 2nd ed.). Qom: AlulBait Institute. [In Arabic]
25. Montazeri Najafabadi, H. A. (n.d.). *Resaleh Istifta'at* (1st ed., vol. 3). Qom. Comprehensive jurisprudence software.

26. Mousavi Jazayeri, S. M. A. (05/11/1396 AP). *School of jurisprudence – Dar Kharij on banking system jurisprudence*. From: Shia communication website: <https://www.eshia.ir/>. [In Persian]
27. Mousaviyan, S. A. (1395 AP). Jurisprudential points of implementation of Jaala facilities (Forqani, M. Ed.). Tehran: Payam Mohem, *Internal Monthly of Bank Keshavarzi*, (No. 130). [In Persian]
28. Mousaviyan, S. A., & Kavand, M., & Esmaili Givi, H. R. (1387 AP). Securities (Sukuk) are an efficient tool for the development of the tourism industry. *Journal of Islamic Economics*, 8(32), pp. 141-204. [In Persian]
29. Najafi, M. H. (n.d.). *Jawahir al-Kalam fi Sharh Sharae al-Islam* (Vol. 27, 35). Beirut: Dar Ihya al-Torath al-Arabi.
30. Najashi, A. (1407 AH). *Rijal al-Najashi* Qom: Community of Teachers Publications. [In Arabic]
31. Regulations of the third chapter of the law on banking operations without usury, approval letter No. 88620 of the Council of Ministers, Article 70. (14/10/1362 AP). (Terms and Conditions). From: Central Bank of Iran information base: www.cbi.ir. [In Persian]
32. Sabzevari, S. A. (1413 AH). *Muhazab Al-Ahkam* (Vol. 18, Al-Manar Institute, Ed.). Qom: Al Manar Institute, Ayatollah Sabzevari office. [In Arabic]
33. Shahid Awal, M. (1410 AH). *Al-Lum'a Al-Damashqiyya fi fiqh al-Imamiyah* (Morwarid, M. T., & Asghar Morwarid, A. A. Ed., 1st ed.). Beirut: Dar al-Torath - Dar al-Islamiya. [In Arabic]
34. Shahid Awal, M. (1417 AH). *Al-Doroos al-Sharia fi fiqh al-Imamiyah* (Vol. 3). Qom: Islamic Publications Office affiliated with Qom Seminary Teachers Society. [In Arabic]
35. Shahid Thani, Z. (1413 AH). *Masalik al-Afham ila Tanqih Shara'e al-Islam* (Vol. 55, 1st ed.). Qom: Institute of Islamic Encyclopedias. [In Arabic]

36. Sheikh Tusi, M. (n.d.). *Al-Fihrist*. Najaf: Al-Maktabah al-Mortazawiyyah.
37. Tabrizi, J. (n.d.). *New religious questions* (Vol. 2, 1st ed.). Qom: Comprehensive jurisprudence software.
38. Tarhini Ameli, S. M. H. (1427 AH). *Al-Zubdat al-Fiqhiyah fi Sharh al-Rawda al-Bahiya* (Vol. 4, 5). Qom: Dar al-Fiqh le al-Taba'ah va al-Nashr. [In Arabic]
39. Tarihi, F. (1375 AP). *Majma Al-Bahrain* (Vol. 5, Hosseini Eshkavari, A, Ed., 3rd ed.). Tehran: Mortazavi. [In Persian]
40. Tusi, M. (1408 AH). *Al-Wasila ila Nile Al-Fazilah*. Qom: Ayatollah Marashi Najafi Library. [In Arabic]

